



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

بلا تکلیفی صلح غزه و کلافگی دول عرب

در مجمع دوحه که اوایل این هفته برگزار شد، وضعیت اسرائیل و فلسطین بحث‌های زیادی برانگیخت. در ده‌ها گفت‌وگو موضوع غزه مطرح شد و وزاری خار چه نیز درباره وضعیتی که عمدتاً آن را بحران ایستامی بینند، نظراتشان را گفتند. درباره «نیروهای بین‌المللی ثبات» یا آی‌اس‌اف نیز نظرات مطرح شد. شیخ محمد بن عبدالرحمان آل ثانی، وزیر خارجه قطر گفت: «ما اکنون در لحظه‌ای کلیدی قرار داریم... آتش‌بس نمی‌تواند کامل شود مگر عقب‌نشینی کامل نیروهای اسرائیل رخ دهد و ثبات به غزه برگردد.» اسرائیل نمی‌خواهد ترکیه در آی‌اس‌اف باشد اما هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه گفت کشورش آماده ارائه سرباز است و نیز آماده کمک به اینکه آی‌اس‌اف شکل بگیرد و به سرعت فعال شود. او گفت: «خلع سلاح نمی‌تواند گام اول این فرایند باشد. لازم است به ترتیب درست پیش برویم و واقع‌گرا باشیم.» فیدان اضافه کرد اولین هدف آی‌اس‌اف «باید جدا کردن فلسطینی‌ها از اسرائیلی‌ها باشد.» بدر عبدالعاطی، وزیر خارجه مصر در سخنرانی‌اش با نظر فیدان موافق بود: «باید این نیرو را در اسرع وقت در میدان مستقر کنیم، چون یک طرف، یعنی اسرائیل، هر روز در حال نقض آتش‌بس است اما ادعا می‌کند که طرف دیگر مسئول است؛ برای همین باید در خط زرد [خطی که اسرائیل برای مشخص کردن محل استقرار نیروهای اشغالگر در نوار غزه داشت] ناظرانی داشته باشیم که وضعیت را بررسی و تأیید کنند.» او اضافه کرد دستور کار این سردرگمی دربارہ جزئیات مأموریت، بیکربندی آن، زمان استقرارش و اینکه چه کسی باید در آن باشد، باعث شده کشورها هنوز خیلی مشتاق اقدام نباشند. اسپن بارت ایده، وزیر خارجه نروژ موضوع را این گونه خلاصه کرد: «طرف‌های مختلف می‌توانند بگویند «من سهمم را انجام می‌دهم اما فقط وقتی که او هم سهمش را انجام داده باشد.» بنابراین باید هیئت صلح و آی‌اس‌اف را همین ماه مستقر کنیم، چون موضوع خیلی فوری است.» اما فیدان اضافه کرد: «هزاران جزئیات و سؤالات هنوز باقی مانده‌اند.» منال رضوان، وزیر مختار در وزارت خارجه عربستان سعودی هشدار می‌دهد که بحث‌ها بر سر جزئیات دارد اهداف نهایی را از نظر شرکا دور می‌کند: «ما این فیلم را قبلاً دیده‌ایم. جنگی در غزه است، بعد جامعه جهانی درگیر می‌شود، بعد جست‌وجویی برای کمک‌های انسان‌دوستانه است و بعد فرسودگی سیاسی و بعد هم یادمان می‌رود؛ بعد هم ببینیم دور خشونت‌بارتری شروع شود.» او نگران مسئله کشورشدن فلسطین بود که در چارچوب برنامه ترامپ دارد به حاشیه رانده می‌شود. رضوان گفت: «اگر تأمین امنیت و آرمان‌های سیاسی فلسطینی‌ها را تضمین نکنیم، هیچ برنامه‌ای در دنیا نته‌تها نخواهد توانست ما را از مر حله‌ای به‌مر حله‌بعدی ببرد، بلکه مانع دور دیگری از خشونت هم نخواهد شد.» احمد التکر مدیر گروه «وکالای عرب» مستقر در لندن می‌گوید به باور او، در دیگر دول عرب هم همین نظرات وزیر سعودی را دارند و این که «نمی‌توانیم به هیچ توافق درستی برسیم مگر به راه‌حلی نهایی برای فلسطینیان برسیم» دولتی پایدار برای فلسطینیان داشته باشیم.» اما دیگر کارشناسان می‌گویند، ناظران عرب در نهایت منتظرند تا ببینند آمریکایی‌ها چه می‌کنند. اندک مقامات آمریکایی که به دوحه آمده بودند، حرفی درباره غزه یا اسرائیل نزدند، در نتیجه افق دیدی به دست شرکت‌کنندگان ندادند و اطمینانی هم در آن‌ها ایجاد نکردند. تام باراک، نماینده آمریکا در امور ترکیه و سوریه گفت در خاورمیانه دموکراسی نمی‌بیند. متیو ویناکر، سفیر آمریکا در ناتو، درباره موضوعی که بابتش آورده شده بود حرف زد، یعنی اروپا و جنگ اوکراین. در حاشیه نشست، ویلیام لارنس که در شورای ملی روابط آمریکا و اعراب کار می‌کند، نوعی «شیزوفرنی» در میان حضار احساس کرد که در آن، آن‌ها «امیدوار» هستند دولت ترامپ برنامه صلحش را پی بگیرد، اما نسبت به آن چه به نظر موانع غیرقابل عبور می‌آید، بدبین هستند و حتی فراتر از آن، نسبت به اینکه دولت آمریکا «اراده سیاسی» لازم را ندارد که سخت‌کوشی لازم را در پیش بگیرد. او می‌گوید: «من خوش‌بینی واقع‌بینانه نمی‌بینم. من فقط دارم این را می‌بینم که [انگار دارند می‌گویند] «اعتماد ما به ترامپ است.» امیدوارند اما ملزومات چیزی فراتر از این رانمی‌بینند.

عکس: the.whitehouse



چرخش ترامپ به سمت پاکستان

اسلام‌آباد چگونه با ترکیب تملق و راهبرد، نظر رئیس‌جمهور آمریکا را جلب کرده است

وضعیت روابط در مثلث ایالات متحده، پاکستان و هند، در همین چند ماه دولت دوم دونالد ترامپ، دچار تغییرات مهمی شده است. دو همسایه آسیایی که از زمان ترسیم مرز، درگیر تنش و رقابت با یکدیگر بوده‌اند، همان ماه‌های آغازین دولت دوباره ترامپ، یک زدو خورد دیگر را کلید زدند و البته به سرعت به آتش‌بس رسیدند. رئیس‌جمهور آمریکا، در مرکز صحنه این روند ایستاد؛ اما واکنش یکی از این دو کشور پس از آتش‌بس، بیشتر با خلق ساکن فعلی کاخ سفید سازگار بود. در ماه‌های پس از آن نیز اسلام‌آباد توانست مسیرهای تازه‌ای برای تعامل با واشنگتن بگشاید. شاید در بازی پرتنش و چالش مواجهه با ترامپ، از میان دوستان و دشمنان آمریکا، پاکستان در زمره موفق‌ترین‌ها بوده است. به نظر می‌رسد اسلام‌آباد سرمایه‌گذاری دیپلماتیک قابل توجهی روی تعامل با ترامپ کرده است و این سرمایه‌گذاری فعلاً در کوتاه‌مدت، نمود قابل توجهی داشته است. مقامات ارشد این کشور در این مدت به کاخ سفید هم دعوت شده‌اند و با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کرده‌اند؛ این سفرها و تماس‌ها البته صرفاً دیدوبازدید دیپلماتیک هم نبوده‌اند و در آن‌ها، ایده‌هایی برای همکاری و تجارت بین دو کشور مطرح و پیگیری شده‌اند و در دستور کار قرار گرفته‌اند. این برنامه‌ها البته همچنان فرصتی برای ادامه تعامل مثبت اسلام‌آباد با واشنگتن و حفظ نظر مساعد ترامپ نیز خواهند بود. رضایت پاکستان از این روند البته با اصطکاک‌های بین آمریکا و هند دیده می‌شود بیشتر هم شده است. موضع‌گیری‌های پرسروصدایی مثل معرفی ترامپ به عنوان گزینه دریافت نوبل صلح، البته در صدر اخبار دیده شد و البته برای پاکستان مفید هم بود؛ اما الگوی تازه تعامل بین این دو کشور، جنبه‌های دیگری نیز دارد. رسانه آمریکایی «فارن‌پالیسی» در تحلیلی به بررسی این وضعیت تازه بین پاکستان و ایالات متحده پرداخته و به این سؤالات پاسخ داده است: اسلام‌آباد چگونه به رابطه با نسخه فعلی واشنگتن می‌نگرد؛ ترامپ چرا این بار این چنین به پاکستان روی خوش نشان می‌دهد و هند کجای این معادلات است. ترجمه این تحلیل را در ادامه می‌خوانید.

FP

حتی در چنین دولتی پر از شگفتی، چرخش دونالد ترامپ به سمت پاکستان، به چشم آمده است. رئیس‌جمهور ایالات متحده، رابطه نزدیکی با رهبران ارشد پاکستان برقرار کرده؛ از جمله، عاصم منیر، فرمانده قدرتمند ارتش این کشور که یک بار در ماه ژوئن و دوباره در ماه سپتامبر در کاخ سفید میزبان‌ش شد و نخست‌وزیر شهباز شریف که امسال سه بار با او دیدار داشته است. ترامپ از هر دوی این مردان تمجید کرده است. ماه اکتبر، در نشست‌ی در جنوب شرقی آسیا، او در سخنرانی آن‌ها را

«افرادی بزرگ» خواند. ترامپ پیش از میزبانی از منیر در ماه ژوئن نیز گفت «پاکستان را دوست دارم.» شریف و منیر هم ترامپ را غرق در تمجید کردند. چندین و چند بار، رسمی و غیررسمی از تلاش او برای دریافت جایزه صلح نوبل حمایت کردند. در ماه اکتبر، شریف و ترامپ با چندین نفر دیگر از رهبران برای اعلام رسمی توافق آتش‌بس غزه در مصر جمع شده بودند. آن‌جا شریف به ترامپ گفت: «شما مردی هستید که در این مقطع زمانی، دنیا بیشترین نیاز را به او داشت.» کشورهای سراسر جهان، راهبردهای متنوعی اتخاذ کرده‌اند تا دور دوم ترامپ را بگذرانند؛ طیفی از تمجید و تملق گرفته تا همزیستی معذب‌تا ایستادگی آشکار. میزان موفقیت‌شان هم متفاوت بوده است. اشتراک نظر گسترده‌ای بر این وجود دارد که پاکستان توانسته برگه‌هایش را با موفقیتی بیش از دیگران بازی کند. یک دیپلمات سابق ایالات متحده در دوره اول ترامپ، به شرط مخفی ماندن نامش در این باره با فارن‌پالیسی صحبت کرد: «پاکستانی‌ها در شکل‌دهی رابطه‌ای مثبت با ترامپ خیلی خوب عمل کرده‌اند.» حسین حقانی، پژوهشگر ارشد مؤسسه هادسون که از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ سفیر پاکستان در ایالات متحده بود، در این باره می‌گوید: «آن‌ها روی شخصیت ترامپ بازی کرده‌اند؛ تحسینی که او می‌خواست را تحویلش دادند.» رضوان سعید شیخ، سفیر کنونی پاکستان در واشنگتن رویکرد اسلام‌آباد را این‌گونه توصیف می‌کند: «شخصیت، اولویت، سیاست، به همین ترتیب.»

اما فراتر از این‌علاقه به واج‌آرایی، این هم مفید خواهد بود که در نگاه به پاکستان، فقط به این نپردازیم که چگونه بیشترین استفاده را از امکاناتش کرده، یعنی مثلاً از رهبران چرب‌زبان و ذخایر معدنی ضروری. باید به این نیز نگاه کنیم که چگونه توانسته ضعف‌هایش را در دیگر زمینه‌ها با استخدام لابی‌گرهای نزدیک به ترامپ و بهره‌برداری از علاقه او به رمزارزها، جبران کند. یک نکته اساسی این است: همه این‌ها در شرایطی رخ می‌دهند که رابطه ترامپ با رقیب دیرینه ژئوپلیتیک پاکستان، یعنی هند، تضعیف شده و به این ترتیب روندی با سابقه چندهای در جنوب آسیا به هم خورده است. ماه اکتبر، در میانه یک سخنرانی در مصر، ترامپ،

منیر را «فیلد مارشال محبوب» خود خواند؛ ارجاعی آگاهانه به این حقیقت که منیر، دومین نفر در پاکستان است که به این درجه رسیده. حقانی می‌گوید: «ترامپ از کسانی که در جایگاه رئیس‌کشورشان قرار گرفته‌اند، خوشش می‌آید. از مستبدان مقتدر هم خوشش می‌آید. فیلد مارشال منیر کاملاً در این دسته قرار می‌گیرد.» پاکستان هزینه بسیار کرده تا بفهمد ترامپ از چه چیز دیگری خوشش می‌آید. اسلام‌آباد اوایل امسال میلیون‌ها دلار پول هزینه کرد و چندین شرکت لابی‌گری را استخدام کرد که توسط مرتب‌ان سابق ترامپ اداره می‌شوند. چندین شرکت روابط عمومی خارجی هم استخدام کرده و یکی از همان‌ها تسهیلگر صاحب‌فان پالیسی با سفیر کنونی این کشور بود. اما اولین پیروزی پاکستان درباره ترامپ، در ماه فوریه از راه رسید؛ وقتی این کشور به ایالات متحده کمک کرد محمد شریف‌الله را دستگیر کند. شریف‌الله، مغز متفکر انفجار انتحاری سال ۲۰۲۱ در کابل بود، در میانه عقب‌نشینی ایالات متحده از افغانستان. این حمله ۱۳ نیروی ایالات متحده و حدود ۱۷۰ غیرنظامی افغان را کشت. ترامپ، اوایل ماه مارس، وقتی در نشست مشترک کنگره سخنرانی می‌کرد، با اشاره به شریف‌الله گفت: «می‌خواهم مخصوصاً از دولت پاکستان تشکر کنم که کمک کرد این هیولا دستگیر شود.» این قدردانی ترامپ، نمود تغییری قابل توجه نسبت به دولت اولش بود؛ یعنی زمانی که در سال ۲۰۱۸ او رهبران پاکستان را به «دروغ و فریب» محکوم کرد و بعد بیشتر کمک‌های نظامی به این کشور جنوب آسیایی را متوقف کرد. او آن زمان نوشت: «آن‌ها [پاکستانی‌ها] مأمنی به تروریست‌هایی ارائه می‌کنند که ما در افغانستان به دنبالشان هستیم. کمک چندانی هم نمی‌کنند.» اما بعدتر در همان دولت، او درک متقابلی با عمران خان، نخست‌وزیر وقت پاکستان برقرار کرد. اولین بار در سال ۲۰۱۹ با او دیدار کرد و بار دوم در سال ۲۰۲۰، زمانی که خان را «دوست بسیار خوب» خود توصیف کرد.

رئیس‌جمهور جو بایدن دوباره به رویه منزوی کردن و به‌حاشیه‌راندن پاکستان برگشت و برخلاف روال مسبق به سابقه، وقتی وارد کاخ سفید شد، تماسی با خان نگرفت. خان البته در سال ۲۰۲۲ برکنار شد و یک سال